

گاهنامه هنر و مبارزه

12 نوامبر 2011

تل آویو درباره تهدید اتمی ایران دروغ می گوید

اسرائیل هرگز سرزمین های اشغالی را رها نخواهد کرد

(از دیدگاه روزنامه نگاری که در گذشته به جریان صهیونیسم تعلق داشته است)

مصاحبه سیلویا کاتوری با جیورجیو فرانکل

ترجمه از فرانسه توسط حمید محوی

مرکز مطالعات جهانی سازی به مدیریت میشل شوسودوسکی : در این مصاحبه ای که به تاریخ می 2011 با جیورجیو فرانکل انجام گرفته، روزنامه نگار ایتالیایی به پرسش های ما درباره تهدیداتی که اسرائیل به ایران نسبت می دهد، پاسخ گفته است. در حالی که رفتار متکبرانه و سلطه جویانه اسرائیل ایرانیان را به وحشت می اندازد، در این قطعه که ما انتشار آن را ضروری دانستیم، فرانکل با اطمینان بیشتری از اوضاع حرف می زند. آیا حقیقت همین است که او می گوید؟

Mondialisation.ca, Le 9 novembre 2011

[Silvia Cattori](#) - 2011-11-08



حمید محوی- گاهنامه هنر و مبارزه :

مصاحبه سیلویا کاتوری همکار مرکز مطالعات جهانی سازی با روزنامه نگار ایتالیایی جیورجیو فرانکل - روزنامه نگاری که در گذشته به جریان صهیونیست ها تعلق داشته - در سایت مرکز مطالعات جهانی سازی، تنها بخش مرتبط به موضوع «تهدید اتمی ایران» منتشر شده بود ولی در این جا من متن کامل را از سایت سیلویا کاتوری ترجمه کرده ام. علاوه بر این لازم یادآوری است که تمام عکس های منتشر شده در این نوشته به جز دو تصویر اول، به انتخاب مترجم بوده است.

منبع اصلی :

<http://www.silviacattori.net/article1689.html>

Entretien avec Giorgio S. Frankel
Israël ne cédera jamais les territoires occupés

مصاحبه با جیورجیو فرانکل

اسرائیل هرگز سرزمین های اشغالی را رها نخواهد کرد

رهبران اسرائیل می گویند که «خواهان صلح» با فلسطینی ها هستند. در واقع دولت های یکی از پس دیگر قدرت را در اسرائیل به دست گرفته اند، هرگز کمترین اهمیتی برای صلح قائل نبوده اند. و در رابطه با آن چیزی که «روند صلح» نامیده شده است، بر

خلاف ظاهر امر، آن را همواره به نفع ادامه سیاست ویران گرانه و تبلیغات سیاه نما مدارانه، نه تنها علیه فلسطینیان بلکه علیه دیگر ملت های خاورمیانه، به کار بسته اند.

اسرائیلی ها توانستند به کشتار مردم فلسطین ادامه دهند، و آنها را از سرزمینشان اخراج کنند، و تمام این موارد بی آن که کمترین مجازاتی علیه آنها اعلام شود. نویسنده، جیورجیو فرانکل در این مصاحبه تبانی روزنامه نگاران مدافع دولت های غربی و مدافعان گسترش دولت یهودی و به همین نسبت درد و رنج ملت فلسطین را مورد بررسی قرار می دهد.

24 juin 2011 | Thèmes (S.Cattori) : [Réfugiés, Droit au retour](#)
[Sionisme Services secrets Rôle des médias](#)



سیلویا کاتوری : همان گونه که می دانید وقتی موضوع به جنایاتی مربوط می شود که ارتش اسرائیل علیه عرب ها مرتکب شده، رسانه ها بی طرف نیستند. آیا خود شما جزء همین روزنامه نگارانی نیستید که تصویری شاعرانه از اسرائیل عرضه کرده اند؟

جیورجیو فرانکل (1) : بله البته، در گذشته، من در تبلیغات صهیونیستی شرکت داشته ام به این علت که در محیط پان- اسرائیلی بزرگ شده ام. در نتیجه این فرهنگ را نیز هضم کرده بودم. به عبارتی خاص، روزنامه ها و رسانه های غربی فعالانه تصویر و ایدئولوژی اسرائیل را تداوم می بخشند. در مورد قدرت نیروهای طرفدار اسرائیل در روزنامه ها و رسانه ها، به بحث و بررسی های بسیار گسترده ای نیاز خواهیم داشت.

فراموش نکنیم که عملاً تمام گزارشگران روزنامه های ایالات متحده در اسرائیل از یهودی های طرفدار اسرائیل هستند. بسیاری از آنها به شکل داوطلبانه در ارتش اسرائیل خدمت کرده اند. در نتیجه این پدیده واقعیت دارد.

یکی از ستون های قدرت اسرائیل در جهان همین قابلیت تدوام داستان اسرائیل است و تغییر دادن دائمی داستان (تاریخ) برای بازی نویسی آن به نفع اسرائیل. به عنوان مثال حالا 40 سال از جنگ ژوئن 1967 می گذرد. تقریباً هیچ کس به یاد نمی آورد که این جنگ چگونه آغاز شد. در ادبیات طرفدار اسرائیل به راحتی می نویسند که اسرائیل باید در مقابل تجاوزات عرب از خودش دفاع می کرد. چنین تجاوزی هرگز وجود نداشته است. این اسرائیل بود که در ژوئن 1967، در پایان بحرانی سیاسی طولانی با سوریه، به شکل غافل گیرانه به مصر حمله کرد. ولی دائماً می نویسند که پس از تجاوز عرب می بایستی برای دفاع از خود به جنگ دفاعی اقدام می کرد.

سیلویا کاتوری : همان گونه که در مورد گزارشگران ایالات متحده در اسرائیل مطرح کردید و گفتید که «تقریباً تمام آنها یهودیان طرفدار اسرائیل هستند» این موضوع مطمئناً مسئله آمیز است. ولی، از دیدگاه شما، آیا همین پدیده را در کشورهای اروپایی مشاهده نمی کنیم؟

جیورجیو فرانکل : رفتار اروپا تا چند سال پیش از این متفاوت بود. در گذشته نه چندان دور، بیشتر نسبت به فلسطینی ها احساس هم دردی می کردند. در سال های 70 و 80 ایتالیا آشکاراً بیشتر طرفدار عرب ها بود تا اسرائیلی ها. پس از 11 سپتامبر 2001 رفتار اروپا تغییر کرد، یعنی وقتی که سیاست ضد عرب در جهان بالا گرفت. حمله 11 سپتامبر به عنوان عمل تهاجمی از سوی جهان عرب به جهان غرب تلقی شد. پس از چنین چرخشی بود که خصومت فزاینده علیه اسلام در جهان غرب گسترش پیدا کرد. اسلام ترسایی را ایالات متحده به اروپا منتقل کرد. امروز، اروپا – سیاست کشورهای اروپایی هم پیمان با موضع گیری ایالات متحده آمریکا پس از 11 سپتامبر و جنگ عراق از یک سیاست ضد عرب پی روی می کند. این اسلام ترسایی فزاینده تا حدود زیادی به پشتیبانی و الهام از دیدگاه های اسرائیل انجام می گیرد.

باید دانست که نژادپرست ترین اروپایی ها، مانند **خیرت ویلدرس**، و خیلی از دیگر نژادپرستان شمالی به عنوان قهرمان تلقی می شوند.



خیرت ویلدرس دائما برای کنفرانس حتی در دانشگاه به اسرائیل دعوت می شود. در رسانه های اروپایی نیز چنین روی کردهایی وجود دارد، شاید در رسانه های بریتانیا اندکی کمتر وجود داشته باشد. ولی در واقع، به دلایل متعدد اسرائیل در تحمیل شیوه بیانی خود در روایت داستان های خاور نزدیک و خاور میانه، موفق بوده است. اسرائیلی ها قدرت عظیمی دارند، قدرت عظیمی در تبلیغات دارند. فلسطینی ها و عرب ها فاقد چنین قدرتی هستند. اسرائیل به تدریج کنترل را به دست گرفت، و در این زمینه خیلی وقت صرف کرد. در حال حاضر، اسرائیل کنترل انجمن ها و جوامع یهودی در اروپا و ایالات متحده را در اختیار دارد. در گذشته به این شکل نبود. در گذشته مجامع یهودی به سیاست اسرائیل اعتراض می کردند. بر این اساس، اگر به تبلیغات مدافع اسرائیل فکر کنیم، توسط مهاجران انجام نمی گیرد: بلکه محصول یهودیان ایالات متحده است که فرهنگ و زبان مشترکی با آن دارند. این افراد خارجی نیستند. یهودی های ایالات متحده کاملا بومی بوده و از اعضای کنگره، و روزنامه نگار هستند. بر اساس تبلیغات مدافع اسرائیل تقویت می شود.

سیلویا کاتوری: این چرخشی که در کنترل سیاسی اسرائیل روی جهان یهودیان به وجود آمده بود، به چه دورانی باز می گردد؟ چه زمانی این چرخش روی داد؟

جیورجیو فرانکل: باید یادآوری کنم که منشأ صهیونیسم تنها بین یهودیان بوده و به ویژه نزد یهودیان ایالات متحده رایج شد. مدت زیادی طول کشید تا صهیونیسم بتواند جا باز کند. این موضوع در عین حال یکی از دلایل تاریخی تکبر بارز و تمایلات خشونت بار صهیونیسم است. منشأ تکبر و خشونت سیاسی صهیونیسم نیز مشخصا ریشه در تاریخ آن در ایالات متحده دارد، و به دورانی باز می گردد که در پی تحقق خود در بطن یهودیت آمریکایی بود. و به ویژه پس از جنگ دوم جهانی. یهودیان سراسر جهان همیشه طرفدار اسرائیل و رابطه عاطفی خاصی با آن داشته اند. در نتیجه اگر بخواهیم در مورد مبدأ تاریخی آن چرخش، تاریخ مشخصی را یادآور شویم، باید آن را در فردای جنگ ژوئن 1967 جستجو کنیم که قطعا چرخش بسیار مهمی بود. این جنگ در تاریخ اسرائیل اهمیت فوق العاده ای دارد، زیرا در ذهنیت اسرائیلی ها احساس امنیت و قدرت خاصی را به وجود آورد. بر این اساس، در مورد این پرسش که کدام یک بر دیگری باید تسلط پیدا کند، همواره دیالکتیک خاصی بین اسرائیل و یهودیت وجود دارد که باید آن را مد نظر قرار دهیم. ولی پس از جنگ 1967 دولت اسرائیل مصمم شد که نقش حاکم را ایفا کند، و در این تصور بود که همین دولت است که باید بر جهان یهودیان تسلط یابد. و این کار را نیز اندک اندک به انجام رساند.

سیلویا کاتوری: در نتیجه، به باور شما، تبلیغات مقامات اسرائیلی که همیشه بر اساس نفی و غیر انسانی جلوه دادن مسلمانان و عرب ها بوده، از جمله، به هدف کسب توافق عمومی یهودیان به نفع طرح تسلط و حاکمیت صهیونیسم بر ملت فلسطین انجام گرفته است؟

جیورجیو فرانکل : ترس از مسلمان ها پس از 11 سپتامبر ابعاد گسترده ای پیدا کرد. این حادثه موجب شد که نیروهای اسرائیلی بتوانند جهان مسلمانان را به عنوان دشمن تاریخی جهان غرب معرفی کنند، یعنی دشمنی که نمی توان با آن به صلح رسید. در اروپا، به دلایل تاریخی که به دوران جنگ های صلیبی باز می گردد، این ترس قدیمی از مسلمانان وجود داشته است. پس از 11 سپتامبر این ترس دوباره اوج گرفت.



سیلویا کاتوری : تبلیغات اسرائیل علیه جهان عرب و مسلمان تا کنون به یاری روزنامه نگاران و دولت ها موفقیت آمیز عمل کرده، و موفق شده اند تا روی جنایات بزرگی مانند تصویب قومی، ضمیمه سازی اورشلیم، و کشتارهایی که دائماً تکرار می شود پرده پوشی کنند. درک این موضوع که دولت جنایاتی به این وسعت را به نام یهودیان مرتکب می شود برای آنها مشکل اخلاقی خاصی را مطرح نمی کند. حتی روزنامه نگاران پروگرسivist، مبارزان گروه های «یهودی صلح طلب» را می بینیم که در گفتمانشان، به عبارتی خاص، طرح نژاد پرستانه دولت اکیدا یهودی اسرائیل را توجیه می کنند. تنها چند گروه کوچک و حاشیه ای بوده اند که به روشنی از بازگشت فلسطینی ها دفاع کرده اند (2). چنین امری همیشه شیوه ای بوده برای توجیه سیاست دولتی که طرح نژادپرستانه آن با ایدئولوژی خشونت، فلسطین را از ساکنین آن خالی کرده است؟

جیورجیو فرانکل : این موضوع خیلی پیچیده است. اگر خودمان را به مراحل مذاکرات اسرائیل و فلسطین محدود کنیم، می بینیم که فلسطینی ها خودشان در مذاکراتشان به شکل ضمنی می گویند که اگر در کرانه باختری رود اردن و غزه دولت فلسطینی تشکیل دهند، بازگشت فلسطینی ها را در پیوند با دولت فلسطین تلقی خواهند کرد، که در این صورت به بیانیه ای از جانب دولت اسرائیل دلخوش خواهند بود که مسئولیت تاریخی درام فلسطینی هایی که در سال 1948 از سرزمینشان رانده شده اند را به عهده می گیرد، که اسرائیل اجازه خواهد داد که ده ها هزار فلسطینی وارد شوند. در طرح صلحی که پادشاه عربستان سعودی در سال 2002 پیشنهاد کرد، و در سال 2007 تأیید شد، موضوع حق

بازگشت به طور مشخص مطرح نشده است، ولی این راه حل تنها به نتیجه مذاکرات اسرائیل و فلسطین بستگی دارد.



در فرضیه ای که ایجاد «دو دولت» را به عنوان راه حل مطرح می کند، باید دانست که آیا این راه حل «دو دولت» با اسرائیل در درون مرزهای 67 و دولت فلسطینی در کرانه باختری رود اردن و غزه ممکن هست یا نیست. طی دو دهه اخیر، دائماً از «دو دولت برای دو ملت» حرف زده اند. آن چه را که شاید به شکل قطعی در سال 2010 دیدیم، این است که این راه حل به هیچ عنوان ممکن نیست، زیرا اسرائیل نیمی از زمین های اشغالی در سال 1967 را در اختیار گرفته در آن جا برای «کلون ها» (مهاجران یهودی) ساختمان سازی کرده است. اسرائیل هرگز این زمین های فلسطینی را رها

نخواهد کرد. می بینیم که اسرائیل شتاب به خرج نمی دهد : اسرائیل می خواهد، با گذشت زمان بر تمام سرزمین تسلط پیدا کند. هدف اسرائیل تسلط کامل بر کرانه باختری رود اردن و غزه است. و این موضوعی است که نتیجه آن به اخراج فلسطینی هایی که در آن جا زندگی می کنند خواهد انجامید.

سیلویا کاتوری : مقامات رام الله، و رهبران سازمان رهایی بخش فلسطین – که در ترکیب طرح مرتبط به «روند صلح» شرکت دارند، به اسرائیل اجازه دادند که به اشغال کرانه باختری رود اردن ادامه دهد – در نتیجه رهبران فلسطینی از حق قانونی مردم خودشان چشم پوشی کردند، به این امید که می توانند در مقابل دولت فلسطینی تشکیل دهند. آیا می توانند چنین دولتی را تشکیل دهند؟



جیور جیو فرانکل : بله، در واقع همین طور است. حتی یاسر عرفات همین موضع را اتخاذ کرده بود : اگر ما در کرانه باختری رود اردن و غزه دولت فلسطینی تشکیل دهیم، ادعایی برای حق بازگشت نخواهیم داشت. در مذاکرات با اسرائیل موضوع حق بازگشت به عنوان یکی از کارت های بازی به کار برده شده است. موضوع مهم برای رهبران فلسطینی، تشکیل دولت فلسطینی در کرانه باختری رود اردن و غزه بوده است. از این پس این دولت هرگز وجود خارجی نخواهد داشت. امروز ممکن است که رهبران فلسطینی در تبانی با اسرائیل باشند و حتی عملا دست نشانده اسرائیل باشند. ولی پس از تمام مذاکرات هیچ چیزی به دست نیاوردند و زندگی فلسطینی ها بیش از پیش در وضعیت اسفناکی قرار گرفت.

فراموش نکنیم که از سال 1993 یعنی از وقتی که یاسر عرفات و ایزک رابین با یکدیگر ملاقات کردند و در کاخ سفید با یکدیگر دست دادند، اسرائیلی ها به تصاحب زمین های کرانه باختری رود اردن ادامه دادند، و فلسطینی ها را از خانه هایشان بیرون راندند تا مستعمراتشان (کلونی) را گسترش دهند. در این 17 سال به روشنی ثابت شده است که اسرائیل به هیچ عنوان قصد صلح ندارد و صلحی که بتواند به ایجاد دولت فلسطینی در کرانه باختری رود اردن و غزه بیانجامد جزء برنامه اسرائیلی ها نیست.

وقتی رهبران اسرائیل از دولت فلسطینی حرف می زنند، هرگز نمی گویند این دولت کجا باید تشکیل شود. برای آنها، دولت فلسطینی، اردن است. هدف اسرائیل سرنگون ساختن رژیم سلطنتی اردن و گسیل فلسطینی ها به آن جا بوده و دکترین آنها همین است : برای اسرائیلی ها اردن سرزمین فلسطین است. تمام گفتمان آنها منحصر به همین دیدگاه است. اسرائیلی ها هرگز حاضر به پس دادن زمین های اشغالی در سال 1967 نیستند. در نتیجه «حق بازگشت» برای آنها از اهداف واقع بینانه به دور می باشد. مسئله این است: از این پس، فرضیه ایجاد «دو دولت» ممکن نیست. در نتیجه باید پرسید که آیا از این پس تشکیل دولتی که شامل اسرائیل، کرانه باختری رود اردن فعلی و غزه می شود، ممکن خواهد بود؟ باید دید که آیا این دولت یکپارچه و یا به شکلی که ایان پاپه می گوید، دو ملیتی خواهد بود. و یا دولتی خواهد بود که زیر سیطره اسرائیلی ها به وجود خواهد آمد و تحت چنین شرایطی فلسطینی ها از دیدگاه جمعیتی هرگز اکثریت را تشکیل نخواهند داد و همواره تحت سیطره و حاکمیت یهودی به سر خواهند برد، و حتی این احتمال وجود دارد که اخراج شوند...

سیلویا کاتوری : این احتمال، به نظر شما، آیا ممکن است؟

جیورجیو فرانکل : من فکر می کنم که اسرائیل با تمام قدرت بزرگ جهانی اش و با تمام قدرت نظامی، اتمی و تکنولوژیکش، در واقع به سوی یک مصیبت حرکت می کند که به فروپاشی درونی خواهد انجامید. نشانه های آن این بار دیوانگی کلاس رهبران اسرائیلی است. مشخصا در این سال های اخیر شاهد بالا گرفتن نژاد پرستی در اسرائیل بودیم. نژاد پرستی این بار عرب های ساکن اسرائیل را هدف گرفته بود. در اسرائیل تظاهرات نژاد پرستانه، علیه عرب ها، خارجی ترسا علیه کارگران خارجی و علیه مهاجران روس، به راه می افتد. شکاف های فزاینده ای در جهان یهودیان بین فرقه اشکنازی ها و سفاردیون، و به همین نسبت بین سفید پوستان و سیاه پوستان فرقه فلاشا وجود دارد. تمام جامعه اسرائیلی دچار از هم گسستگی شده، و در حال تبدیل شدن به توده ای از نفرت نژادی نسبت به تمام جهان است. اسرائیل بیش از پیش در رابطه با مابقی جهان رفتاری خصمانه از خود نشان می دهد. ناچیز ترین موضوعی کافی خواهد بود که به واکنش دیپلماتیک بیانجامد.

در حالی که نسل جوان یهودی بیش از پیش نسبت به اسرائیل مأیوس به نظر می رسند. این موضوع به این معنا است که اگر مداخلاتی از خارج روی ندهد، اسرائیل در خطر فروپاشی قرار می گیرد. کلاس رهبران اسرائیلی بیش از پیش در حد نازلی هستند. اسرائیل تولید فرهنگی، نظری ندارد و طرحی عرضه نمی کند. اسلحه می سازد، ساخت و سازهای الکترونیک را گسترش می دهد، ولی فرهنگ تولید نمی کند. کلاس سیاستمداران اسرائیلی بیش از پیش از دیدگاه اقتصادی و فرهنگی بزهکار هستند. یکی از رؤسای جمهور اسرائیل به جرم خشونت جنسی محکوم شد. این موضوع یکی از نمونه های بارز بزهکاری در اسرائیل فعلی است.

سقوط، سرنوشت اسرائیل است. سقوط شاید شتاب بیشتری بگیرد زیرا اسرائیل کاملاً به ایالات متحده وابسته است. امروز، سیاست اسرائیل بسیار خطر نام به نظر می‌رسد زیرا وضعیت داخلی ایالات متحده بیش از پیش رو به وخامت می‌رود. آینده اسرائیل انباشته از تردید است.

سیلویا کاتوری : ولی با این وجود اسرائیل به عنوان کشوری که در وضعیت ضعف قرار دارد دیده نمی‌شود، بلکه ظواهر امر حاکی از قدرت و تسلط است. دچار بحران اقتصادی نیست. پول اسرائیل قوی و ثابت است، و سرافراشته با جهان رویارویی می‌کند، و زمین‌هایش را هم رها نمی‌کند و بی آن که دچار اختلال شود، به سیاست تصفیه قوی‌اش در رابطه با فلسطینی‌ها ادامه می‌دهد. و حتی از شرایطی بهره‌مند است که می‌تواند امتیازات بیش از پیش تحقیر آمیزی را به همسایگان عرب تحمیل کند، تا هر گونه راه حلی برای مسائل موجود را امکان‌ناپذیر سازد. اسرائیل علی‌رغم عمق جنایاتی که از 60 سال پیش تا کنون مرتکب شده، نه تنها محکوم و مجازات نشده بلکه مورد پشتیبانی دولت‌های ما نیز برخوردار بوده است. اگر اسرائیل توانسته تا این اندازه با تکبر و خشونت رفتار کند و با تمام قدرت‌ها رویارویی کند، بی‌گمان باید دلیلی سرّی وجود داشته باشد که به دولت‌های اسرائیلی اجازه داده تا با هر نیرویی مقابله کند. شما این تکبر فزاینده بی‌سابقه در سیاست بین‌المللی را چگونه تعبیر می‌کنید؟

جیورجیو فرانکل : درست است. بنیاد‌های این تکبر متعدد است. یکی از بنیاد‌های این تکبر قدرت اتمی اسرائیل است. اسرائیل شاید چهارمین قدرت اتمی در جهان باشد. از سال‌های 1970، یعنی در 40 سال پیش از این می‌گفتند که اسرائیل می‌تواند شوروی را به بمباران اتمی تهدید کند. این موضوعی است که توضیح می‌دهد که به چه علتی شوروی همیشه در رابطه با اسرائیل محتاطانه رفتار کرده است. چند سال پیش از این، یک تاریخ‌نویس نظامی، مارتین وون کلود، اسرائیلی هلندی تبار، پژوهشگر به نام و نویسنده بررسی‌های نظامی، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که اسرائیل با سلاح‌های اتمی پایتخت تمام کشورهای اروپایی را هدف گرفته است. خیلی از طرح سامسون (4) حرف می‌زنند. نظریه «سامسون» بر این اساس است که: اگر اسرائیل در شرایط نابودی قرار بگیرد، بقیه جهان را نیز با خود نابود خواهد کرد. پیش از نابودی، اسرائیل به روی اروپا، کشورهای عربی و ایالات متحده بمب اتمی پرتاب خواهد کرد. دانشمندان اسرائیلی چندین بار اعلام کرده‌اند که اسرائیل قادر است به هر نقطه از کره زمین حمله کند. با آگاهی به تاریخ و طرز فکر اسرائیلی‌ها چنین رفتاری می‌تواند خردگرایانه به نظر رسد. به این مفهوم که، کشورهای دیگر را مجبور می‌سازد که به خواست اسرائیل احترام بگذارند. با این همه، کشور اروپایی می‌تواند به خودش بگوید که چرا باید از حق فلسطینی‌ها دفاع کند، و خودش در خطر بمباران قرار دهد.

به این علت که اسرائیل می‌تواند به شکل اتمی تهدید کند، مستقیم و غیر مستقیم کشورهای عربی و ایران را به جنگ با استفاده از بمب اتمی تهدید کند، به بحران جهانی

دامن می زند. امکان استفاده مستقیم از تهدید اتمی متعدد است. این موضوعی است، که به باور من باید آن را امری بنیادی تعبیر کنیم.

سپس، اتحاد استراتژیک با ایالات متحده که پس از ژوئن 1967 صورت پذیرفت، به اسرائیل قدرت قابل ملاحظه ای را واگذار کرده و این کشور را از مصونیت برخوردار می سازد. اسرائیل دست به هر کاری بزند، ایالات متحده از آن دفاع می کند. اگر قطعنامه ای علیه اسرائیل به شورای امنیت تسلیم شود، به تصویب نخواهد رسید، زیرا ایالات متحده با آن مخالفت خواهد کرد و به عنوان عضو ثابت می تواند از حق وتو استفاده کند.

تمام این موارد موجب قدرت قابل ملاحظه و مصونیت بسیار بالا برای اسرائیل بوده است. سپس جریانی به راه افتاد، نمی دانم شاید نوعی اسطوره، که تقریباً تمام دیپلمات ها آن را جدی می گیرند... نظریه این است که کشوری و یا جبهه ای سیاسی می خواهد با آمریکا رابطه خوبی داشته باشد، باید با اسرائیل رابطه خوبی داشته باشد. در کشورهای جهان سوم نیز این نظریه گسترش داشته و در پی بهبود بخشیدن به روابطشان با اسرائیل هستند که متعقباتی لابی های اسرائیلی در ایالات متحده از این کشورها پشتیبانی کنند. ترکیه این نظریه را در سال های پیش در دولت رجب طیب اردوغان پی گیری کرد. کشورهای متعددی به همین سیاق عمل کردند. و دیدیم که کشورهایی که با اسرائیل روابط خوبی برقرار کرده بودند، مورد لطف ایالات متحده قرار گرفتند. اسرائیل به همان اندازه قدرتمند است که ایالات متحده، و علت این است که اسرائیل کنگرل آمریکا را در دستش دارد. اسرائیل بر کنگره ایالات متحده مسلط است، و واقعا بر آن تسلط دارد. از چندین دهه پیش، اسرائیلی ها یک سری ساختار و بنیاد به نام لابی اسرائیلی در ایالات متحده ایجاد کردند. این لابی ها متشکل از سازمان های تخصصی گوناگونی است: در کنگره نیز لابی اسرائیلی وجود دارد و روی کاخ سفید فشار می آورد، لابی دیگری به امور رهبران نظامی می پردازند، و غیره.

با در نظر گرفتن این نکته که در ایالات متحده 6 میلیون یهودی مرفه وجود دارد، این سازمان هایی که از سوی یهودیان سراسر جهان تأمین مالی می شوند، سرمایه های عظیمی در اختیار دارند. یکی از مهمترین آنها « کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل» (5)، 100000 عضو دارد. این کمیته قدرت زیادی دارد. اعضای آن برای نمایندگان، سناتورها فکس و ایمیل می فرستند و سرمایه جمع آوری می کنند. نکته مهمی که روزنامه های اروپایی خیلی کم از آن حرف زده اند، ولی بر عکس روزنامه های اسرائیلی دائماً به آن پرداخته اند، این موضوع است که در آغاز سال 2010 روابط بین اوباما و اسرائیل به وضعیت خیلی وخیمی درآمد. اوباما در پی آن بود که در رابطه با اسرائیل سیاست فشار را به کار ببرد. این جریانی بود که ظاهراً وجود داشت. در ماه می، اوباما اندک اندک این سیاست را رها کرد و تمام امتیازات را برای اسرائیل پذیرفت. روزنامه های اسرائیلی اعلام کردند که سرمایه گذاران اصلی حزب دموکرات کمک هایشان را متوقف کرده اند. میلیاردرهای یهودی، در مارس 2010، اعلام کردند

که اگر اوباما سیاستش را تغییر ندهد، حتی یک دلار هم نخواهند داد. اوباما در شب پیش از انتخابات میان دوره ای با حزب خودش که پشتیبانی یهودیان را از دست رفته می دید، مشکل پیدا کرده بود. در نتیجه این لابی ها منشأ قدرت هستند.

اجازه دهید تا از یک عامل قدرت موقتی دیگر نیز یاد کنیم. در دوران جهای سازی اقتصاد، اسرائیل به عنصری ساختاری برای این ابر قدرت جهانی تبدیل شد که از سال های 80 و 90 گسترش پیدا کرد. بین نخبگان جهانی که قدرت اقتصادی دارند،...، اسرائیل جزء جدایی ناپذیر این ساختار قدرت است. این قدرت اقتصادی، به علاوه قدرت استراتژیک نظامی، در شرایطی که ایالات متحده تسلط بر خاورمیانه را هدف خود قرار داده است، قدرت نظامی و استراتژیک اسرائیل را افزایش می دهد.

در سال 2003، وقتی ایالات متحده به عراق حمله کرد، روزنامه نگاران آمریکایی و نخبگان طرفدار اسرائیل آشکارا می گفتند که حمله علیه عراق چیزی نیست به جز آغاز استراتژی نوین برای تسلط بر خاور میانه، و پس از عراق، نوبت مصر و سپس عربستان سعودی فراخواهد رسید ، و غیره...

این دیدگاه آن دوران بود. بعد، جنگ علیه عراق برای آنها وضعیت بدی پیدا کرد. این موضوع نشان می دهد که قدرت نظامی تنها تا حدودی می تواند واجد اعتبار باشد. ایالات متحده، با وجود قدرت نظامی بی سابقه، و تکنولوژی، در تمام جنگ ها شکست می خورد. با دیدن تجربه ایالات متحده، می توانیم به خاطر داشته باشیم که حتی برای ابر قدرت اسرائیل نیز شمارش معکوس شروع شده است. در حال حاضر اسرائیل جزء ابر قدرت های جهان است. ولی این قدرت، با توجه به گسترش قدرت آسیایی، سیر قهقراپی طی می کند.

سیلویا کاتوری : شما قطعاً این موضوع را مورد بررسی قرار داده اید. و با واقعیت از نزدیک آشنا هستید. ولی برای عموم مردم مشکل است درک کنند که مسئله اعراب و مسلمان ها نیست، بلکه سیاست متناقض اسرائیل است. فشار دائمی توسط اسرائیل علیه برنامه هسته ای غیر نظامی ایران جزء این ابهامات است. آیا شما فکر می کنید که آیا ممکن است که ارتش اسرائیل به مراکز ایران حمله کند؟

جیورجیو فرانکل : من فکر نمی کنم، به این علت که اسرائیل تهدیداتش را علیه ایران از سال های 90 آغاز کرد، حالا حدود 20 سال است که مقامات اسرائیلی تکرار می کنند که می خواهند به ایران حمله کنند، که ایران در حال ساختن بمب اتمی است، که ایران جهان را تهدید می کند. ولی وقتی، در تاریخ، کشوری تهدید به جنگ می کند و طی 20 سال آن را عملی نمی سازد، مفهومش این است که هرگز دست به چنین جنگی نخواهد زد.

تهدید علیه ایران برای اسرائیل به عنوان ابزاری برای تنش آمیز ساختن خاور میانه به کار برده می شود. اسرائیل با چندین بار تهدید در سال علیه ایران، وضعیت دشواری را

در ایالات متحده و اروپا ایجاد می کند. احتمال حمله اسرائیل به ایران خیلی ضعیف است. ولی اگر اسرائیل واقعا به ایران حمله کند، نتایج جهانی به اندازه ای مصیبت بار خواهد بود که، حتی اگر همه فکر کنند که تهدید دولت اسرائیل تو خالی است، هیچ کس نمی رود ببیند تهدید پر و یا تو خالی بوده.

اسرائیل در شرایطی نیست که به ایران حمله کند، کافی خواهد بود به نقشه جغرافیایی نگاه کنیم. باید از کشورهای دیگری عبور کند تا برسد به ایران. دو سال پیش آمریکایی ها به اسرائیلی ها یک هدیه زهر آلود دادند. از آن جایی که اسرائیل از خطر ایران حرف می زد، ایالات متحده دستگاه راداری برای کنترل آسمان به اسرائیل فرستاد که می تواند صدها کیلومتر از کشور را پوشش دهد. این پایگاه رادار توسط نظامیان ایالات متحده اداره می شود که باید آن را به عنوان حرکت معنی داری برای اتحاد با اسرائیل تلقی کنیم. در واقع اسرائیلی ها از این موضوع خیلی خوشحال نیستند. زیرا ایالات متحده کاملا از رفت و آمد هواپیماهای آنها با اطلاع است. ایالات متحده بارها تکرار کرده اند که خواهان جنگ علیه ایران نیستند، زیرا جنگ علیه ایران نتایج اسفباری خواهد داشت. به شکل دوره ای است. هر از چند گاهی اسرائیلی ها کارت ایران را بازی می کنند. چند هفته بیشتر طول نمی کشد و دوباره همه چیز متوقف می شود. ژنرال موشه یالون، معاون نخست وزیر و وزیر برای تهدیدات استراتژیک، اعلام کرد: برنامه اتمی ایران به تأخیر افتاده است، در نتیجه ما دو سه سال برای تصمیم گیری وقت داریم. پیغام این بیانیه را باید به این معنا تلقی کنیم که فعلا خطری از جانب ایران وجود ندارد. مطرح کردن خطر ایران برای اسرائیلی ها برای ایجاد تنش به کار می رود تا ایالات متحده و اروپایی ها را به اتخاذ سیاست خاصی مجبور سازند. اسرائیلی ها امیدوار بودند بتوانند بین ایران و کشورهای عربی به شکلی تنش ایجاد کنند که منجر به جنگ شود. ولی این استراتژی موفق نشد.

برای قدرت های اتمی چقدر طول کشید تا به بمب اتمی بسازند؟ ایالات متحده در سال های 40، وقتی که هنوز از ساختن بمب اتمی اطمینانی نداشتند، سه سال به طول انجامید. اسرائیل ده سال وقت صرف کرد. 20 سال است که می گویند ایران در حال ساختن بمب اتمی است. این بار حتما باید با کندترین بمب اتمی تاریخ سر و کار داشته باشیم! آژانس هسته ای که باید بمب اتمی را کنترل کند دائما اعلام می کند که برنامه نظامی وجود ندارد. بمب ایران برای اسرائیلی ها به عنوان ابزاری برای ایجاد مشکل استراتژیک در منطقه به کار می رود. ترس بزرگ اسرائیل این است که آمریکایی ها و ایرانی ها سرانجام با هم مذاکره کنند. و از این پس ایران به عنوان قدرت منطقه ای بازشناسی شود، یعنی قدرتی که باید با آن حرف زد و مذاکره کرد.

قدرت منطقه ای دیگری که در حال پیدایش می باشد، ترکیه است. از هم اکنون اسرائیل با ترکیه مشکل پیدا کرده، زیرا ممکن است که ترکیه به مخاطب اصلی ایالات متحده در جهان عرب و مسلمان تبدیل شود.

یکی دیگر از سلاح های اسرائیل اتهام ضد سامی است. اتهام ضد سامی سلاحی است که اسرائیلی ها به شکل گسترده و در هر فرصتی فوراً از آن استفاده می کنند. هر گونه انتقاد از اسرائیل فوراً به عنوان عمل ضد سامی تلقی می شود. در آغاز این سلاح خیلی مؤثر بود، امروز اندکی کمتر، و بی گمان دیر یا زود اهمیتش را از دست خواهد داد. وقتی از این سلاح سوء استفاده شود، ارزش اولیه اش را از دست می دهد. اسرائیل همه را به ضد سامی بودن متهم می کند. اگر یک نفر یهودی از اسرائیل انتقاد کند، می گویند که او از خودش متنفر است. سرانجام این سلاح نیز از بین خواهد رفت، زیرا ضد سامی بودن یک چیز است و انتقاد از اسرائیل یک چیز دیگر. در حال حاضر جریان ضد سامی نا چیز و وجود دارد. اگر جریان ضد سامی وجود دارد به دلیل ادغام کردن هویت یهودی و اسرائیلی است، که واقعا مشمئز کننده است. در این مورد ما روی یک زمین لغزنده گام بر می داریم.

سیلویا کاتوری : طی سال های تهاجمات نظامی توسط تل آویو، به عنوان مثال در فرانسه شاهد تشدید اتهامات ضد سامی بودیم، حتی از سوی گروه هایی مانند «یهودیان صلح طلب». اتهامات ضد سامی مثل باران بر سر روزنامه نگاران و مبارزانی می بارید که ایدئولوژی دولت یهود را افشا می کردند که از همان آغاز قابل پذیرش نبود (6). اگر اینطور که شما می گوئید انتقاد از دولت اسرائیل هیچ ارتباطی با جریان ضد سامی ندارد، پس با متهم ساختن افراد به ضد سامی در پی چیزی هستند؟

جیورجیو فرانکل : اشتباه بزرگی که انجمن ها و یا گروه های یهودی در دنیا مرتکب می شوند، این است که فکر می کنند مجاز هستند به نام اسرائیل حرف بزنند. بسیاری از یهودیان غیر اسرائیلی فکر می کنند، به عنوان یهودی، حق دارند از اسرائیل پشتیبانی کنند. این حق آنها است. ولی این موضوع دیر یا زود به شکل دیگری مطرح می شود، یعنی تمام کارهایی که دولت های اسرائیلی انجام می دهند به یهودیان غیر اسرائیلی نسبت داده می شود. از سوی دیگر، وقتی اسرائیل اعلام می کند که می خواهد نه تنها به عنوان دولت یهودی، بلکه به عنوان دولت ملت قوم یهود بازشناسی شود، به این معنا است که می خواهد در سطح بین المللی و در رابطه با یهودیانی که در کشورهای دیگر به سر می برند در همین مقام بازشناسی شود. ولی این موضوع مخاطرات زیادی را در بر می گیرد.

سیلویا کاتوری : چه مخاطراتی؟

جیورجیو فرانکل : به این علت که ممکن است در آینده، اسرائیل به بهانه خصومت این کشور در رابطه با یهودیان، در سیاست داخلی آن دخالت کند. شیراک، رئیس جمهور فرانسه از شرکت در جنگ علیه عراق امتناع کرد. کمی بعد نخست وزیر اسرائیل آریل شارون سیاست خصمانه ای علیه فرانسه به راه انداخت و به یهودیان فرانسه هشدار داد که : چمدان هایتان را ببندید و فرانسه را ترک کنید و به اسرائیل بیاوید. در آینده اسرائیلی ها می توانند به شکلی رفتار کنند که گویی سرنوشت یهودیان ایتالیا و فرانسه نیز به دست آنها است.

سیلویا کاتوری : موضوع ضد سامی به عنوان سلاح همیشه به اسرائیل اجازه داده است که دولت هایی را که از تل آویو پی روی نکرده اند تحت فشار قرار دهد. در نتیجه حالا بیست سال است که اسرائیل تلاش می کند تا جهان را وادار کند که فشارهایشان علیه ایران افزایش دهند، و این کشور را مجازات کنند و سیر تحولی عادی اش را مخدوش سازند. به اعتقاد شما اسرائیل در این زمینه موفق خواهد شد؟

جیور جیو فرانکل : متقاعد نشده ام، زیرا ایران تا این جا از سوی چین و تا حدودی از سوی روسیه مورد پشتیبانی قرار گرفته است. و با همسایگانش روابط خوبی دارد : ترکیه، عراق و با کشورهایمانند آذربایجان و گرجستان. ایران روابط خوبی با پاکستان و هند، و با کشورهای عربی خلیج و به ویژه با کشور قطر دارد. در حال حاضر در پی گسترش روابط دیپلماتیکش با آمریکای لاتین است. علی رغم موضع سخت اروپا برخی از کشورهای اروپایی از آن پی روی نمی کنند.

اسرائیلی ها در پی متزلزل کردن ایران از درون هستند : تروریسم، کشتار، و غیره. این ها مواردی است که احتمالاً پی گیری می کنند. باید دید که آیا موفق خواهند شد یا نه.

سیلویا کاتوری : تنها اسرائیل و آیا آمریکا دخالتی ندارد(7)؟

جیور جیو فرانکل : هر دو. ولی به ویژه اسرائیلی ها.

سیلویا کاتوری : چرا «به ویژه اسرائیلی ها»؟ آیا امکانات خاصی برای نفوذ و دسیسه سازی اقلیت های قومی در اختیار دارند؟

جیور جیو فرانکل : مسئله ثبات ایران خیلی پیچیده است. می توان از چندین نقطه به شکل مخفیانه وارد شد. قومیت های مخالف دولت مرکزی. کردستان مهمترین منطقه برای نفت است.



اقلیت سنی در آن جا زندگی می کنند. تنها کافی است که آنها را مسلح کنند و آموزش بدهند. این نوع عملیات را «جنگ سایه» می نامند. امکانات مداخله نیز متعدد است.



پا نوشت :

1) جیورجیو فرانکل، تحلیل گر مسائل بین المللی و روزنامه نگار مستقل، از سال های 70 در مورد خاورمیانه و خلیج فارس مطالعه می کند. کتاب «ایران و بمب» از آثار او می باشد.

Giorgio S. Frankel .DeriveApprodi, Roma, 2010.

2) حق بازگشت بر اساس قانون مجاز است : ولی دولت های ما و حتی احزاب سیاسی، و آنهایی که مدافع «صلح عادلانه» هستند، این موضوع را ندیده گرفته اند، زیرا باز شناسی حق بازگشت پناهندگان فلسطینی موجب خواهد شد که اسرائیل را به باز شناسی اخراج آنها در 1948 و 1967 و 2000 وادار کند و بپذیرد که «جنگ استقلال» در واقع یک جنایت است.

Martin Van Cleverd (3)

4) «راه حل سامسون» (به این شکل هست که رهبران اسرائیلی بر اساس داستان انجیل درباره سامسون از این طرح حرف می زنند که معبد فلسطینی های دوران باستان را تخریب کرد و چند سد فلسطینی را کشت). این طرح بر این اساس است که در مقابله با تهدید هستی شناختی، طرح اتمی اسرائیل عبارتست از حمله اتمی به هر ملتی که آن را تهدید می کند.

AIPAC(5)

American Israel Public Affairs Committee

1001(6) دروغ درباره گیلدا آتزمون

Gilad Atzmon, *comedonchisciotte.net* , 2 novembre 2006.

7) روزنامه نگار باب ودفورد می گوید که سرویس های سیا، موساد و انتلیجنت سرویس برای عملیات تروریستی در ایران با یکدیگر هم کاری می کنند. در سال 2009 و 2010، ایران چندین جاسوس آمریکایی و از جمله زنی که تجهیزات خاصی به هم راه داشته (8) را دستگیر می کند. فرانسه از تاریخی که سرکوزی به عنوان رئیس جمهور فرانسه از احتمال بمباران ایران حرف زده، سیاست خصمانه ای را علیه ایران به کار بسته است. فراخوان برنارد کوشنر را به یاد داریم که به ملت ها برای «آماده شدن برای بدترین حالت» هشدار می داد یعنی برای جنگ علیه ایران.

« hidden spying equipment »(8)